اصلاحات و اصلاح طلبی انقلابی و آمریکایی
«از دیدگاه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله)»

# اصلاح تمام دستگاه‌های کشور منوط به سلامت و دقت در قوه قضائیه

**۹- اصلاح مقررات و تسهیلات برای بهبود فضای کسب و کار**

نکتهٔ دوم، بهبود فضای کسب و کار است، که از جملهٔ کارهایی که به نظر ما عمدهٔ وظیفهٔ دولت هست، همین هست. وزیر محترم در گزارششان اشاره کردند به بهبود فضای کسب و کار. بهبود فضای کسب و کار، بیشتر وظیفهٔ دولت است. همین مسئله مقررات، تسهیلات گوناگون، پیچ‌وخم‌های اداری فراوان، اینها همه، چیزهایی است که اگر چنانچه اصلاح بشود، بهبود فضای کسب و کار که یکی از مسائل عمدهٔ اقتصادی ماست، عمده‌ی اقتصادی ماست، حاصل خواهد شد. همین پنجرهٔ یک واحد- یک پنجره برای کارها که ایشان ذکر کردند- همین یک کار، اگر انجام بگیرد، به نظر من بسیاری از مشکلات حل خواهد شد. این مربوط به بخش دولتی است که بخش مهم است. وظیفهٔ دولت، تکلیف دولت، به نظر من عمدتاً اینهاست؛ البته مسئولان وظایف فراوان دارند، لکن پایه و مایه آن‌طور که انسان از مجموع گزارشها و مجموع حرفها استفاده می‌کند، این دو چیز است.(۱۱۹)

***اگر دربارهٔ قضائیه سالم و دقیق و عامل به عدل و انصاف و مقررات اسلامی وجود داشته باشد، به مرور تمام دستگاه‌های کشور و جامعهٔ اسلامی اصلاح خواهند شد. ممکن نیست که کشوری به سلامت کامل اجتماعی برسد، مگر آن‌که دستگاه قضایی سالم و بی‌عیبی به وجود آید. اگر دستگاه قضایی سالم نباشد، دستگاههای دیگر هم بتدریج به فساد خواهند گرایید. به همین دلیل، اسلام نسبت به قضا و قضاوت و قاضی و محکمه و مقدّمات کار و ابزار کار قضایی، حداکثر اهتمام را ورزیده است.**

**۱۰- اصلاح قوانین واردات**

ما باید تولید ملی را افزایش بدهیم، تقویت کنیم؛ عادت کنیم به مصرف تولیدات داخلی؛ عادت کنیم به بالا بردن کیفیت تولیدات داخلی، که البته در این مورد مسئولان دولتی و همچنین قانون‌گذاران وظایف سنگینی دارند. من نسبت به مسئله مدیریت واردات به دولتیها سفارش کردم؛ الآن هم تأکید می‌کنم. من نمی‌گویم واردات متوقف بشود، چون یک جاهایی لازم است که واردات انجام بگیرد، اما واردات باید مدیریت بشود. یک جایی واردات مطلقاً نباید بشود؛ یک جاهایی باید انجام بگیرد. با مدیریت، واردات انجام بگیرد. البته مسئولان محترم دولتی به من گفتند که قوانینی که مجلس تصویب کرده، به ما اجازه نمی‌دهد جلو واردات را بگیریم؛ من خواهش می‌کنم این قضیه را حل کنند. اگر واقعاً قانون وجود دارد که دولت را ممنوع می‌کند از جلوگیری از واردات، این قانون را اصلاح کنند؛ جوری باشد که مدیریت بشود. باید تولید ملی بالا برود.(۱۲۰)

**۱۱- اصلاح سیستم بانکی کشور**

اما مسئله بانک از مسائل مهمی است که چنانچه ربا از بانک حذف نشود، مشمول آیهٔ شریفه و روایات کثیره می‌شویم که آیهٔ شریفه می‌فرماید کسانی که ربا می‌خورند، اینها اعلام جنگ با خدا و پیغمبر می‌کنند. این تعبیر در کم جایی واقع شده است که اعلان جنگ است بین کسانی که می‌خواهند ربا بخورند با خدا و پیغمبر. روایات بسیار ما داریم که هیچ جای شبهه در این روایات نیست که در بعضی از آنها تعبیری شده است که شاید برای هیچ چیز نشده است که یک درهم ربا شدّتش بیشتر است از این‌که هفتاد زنا بکند کسی با محرم خودش، با عمهٔ خودش، با خالهٔ خودش، با خواهر خودش. و اگر چنانچه ربا در یک کشوری مثل کشور ما خدای نخواسته، باز در بانکش، در تجارتش، در بین مردمش باشد، ما نمی‌توانیم بگوییم که ما جمهوری‌مان جمهوری اسلامی است، محتوای جمهوری، اسلامی است. از این جهت باید کارشناسان، علما در این مسئله بسیار فعالیت کنند، دقت کنند که ما را از این گرفتاری نجات بدهند، و ملت هم باید توجه بکنند به این‌که مواجه هستند با یک همچو چیزی که قرآن کریم می‌فرماید: فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِه اعلام جنگ بکنید با خدا. و اگر چنانچه بانکداری به آن معنایی که در جاهای دیگر هست رواج پیدا بکند، مردم از صنعت و کار و سایر چیزها باز می‌مانند، می‌نشینند توی خانه‌شان و پولشان برایشان کار می‌کند و حال آن‌که پول نباید کار بکند.

پس اصلاح بانک هم یکی از امور بسیار مهم است، چنانچه اصلاح اقتصاد و مالیات و امثال ذلک هم بسیار اهمیت دارد.(۱۲۱)

**۱۲- اصلاح فرایندهای قانونی و اداری برای رشد ارزشهای اخلاقی**

ارتقای سلامت نظام اداری و رشد ارزشهای اخلاقی در آن از طریق اصلاح فرایندهای قانون و اداری، بهره‌گیری از امکانات فرهنگی و بکارگیری نظام مؤثر پیش‌گیری و برخورد با تخلّفات.(۱۲۲)

**۱۳- سلامت و دقت دربارهٔ قضائیه، اصلاح تمام دستگاههای کشور**

در تمام دنیا، دربارهٔ قضائیه، ملاک و معیار سلامت جامعه است. اگر دربارهٔ قضائیهٔ سالم و دقیق و عامل به عدل و انصاف و مقررات اسلامی وجود داشته باشد، به مرور تمام دستگاههای کشور و جامعهٔ اسلامی اصلاح خواهند شد. ممکن نیست که کشوری به سلامت کامل اجتماعی برسد، مگر آن‌که دستگاه قضایی سالم و بی‌عیبی به وجود آید. اگر دستگاه قضایی سالم نباشد، دستگاههای دیگر هم بتدریج به فساد خواهند گرایید. به همین دلیل، اسلام نسبت به قضا و قضاوت و قاضی و محکمه و مقدّمات کار و ابزار کار قضایی، حداکثر اهتمام را ورزیده است و شاید در تعالیم اسلامی، چیزی به اندازهٔ عدالت در قضا مورد تأکید واقع نشده باشد.

**اصلاح دربارهٔ قضائیه، اصلاح همهٔ امور**

واقعاً آن قشری که جا دارد روی تواناییها و کاراییها و تلاش موفق او، هرچه می‌توانیم سرمایه‌گذاری مادی و معنوی بکنیم، قشر قُضات‌اند. علت هم معلوم است، بارها هم گفته شده، همه هم گفته‌اند. علت این است که اگر دستگاه قضایی از شرایط لازم برخوردار باشد و کار درست بکند، بزودی در کشور، فساد و تباهی و ظلم و تبعیض و فسق و بقیهٔ چیزهایی که یک جامعه را فاسد و زمینگیر می‌کند، ریشه‌کن خواهد شد. اگر خدای نکرده، دستگاه قضایی سالم نبود، یا پرکار نبود، آن‌وقت همهٔ این جرائم، رشد می‌کنند و این میکروبها، جرأت حیات و زیاد شدن و فعال شدن پیدا می‌کنند. به همین خاطر است که دستگاه قضایی، واقعاً برای ما، همه چیز است. فرق هم نمی‌کند، چه در دوران سازندگی که امروز است، چه در دوران جنگ که دیروز بود، و چه در حوادث گوناگونی که یک ملت انقلابی و یک کشور بزرگ، همواره با عافیت و بلا مواجه است. در همهٔ شرایط، آن چیزی که یک آن، به رکود و جمود و بیکاری و کم‌کاری و - خدای نکرده - به فساد او نمی‌توان تن داد، دستگاه قضایی است. هرجای دیگر خراب شد، می‌گوییم ان‌شاءالله دستگاه قضایی می‌رود، آن‌جا را اصلاح خواهد کرد، اما خود دستگاه قضایی، بایستی در حد نصاب اصلاح و صلاح باشد.(۱۲۳)

**اصلاح قوانین طاغوتی در دربارهٔ قضائیه**

یکی هم مسئله قوانین است. قوانین و مقررات در داخل دربارهٔ قضائیه بایستی مورد توجه قرار بگیرد، مورد تجدیدنظر قرار بگیرد، قوانین لازم به میدان بیاید. البته ما اطلاع داریم که آئین دادرسی و قوانین جزا، با تفصیل فراوان، در چرخهٔ تصویب قرار دارد؛ این بایستی به کل قوانین تعمیم پیدا کند. گاهی یک قانون غلط باقی‌ماندهٔ از دوران طاغوت - دورانی که اساس قوّهٔ قضائیه بر مبنای غلطی بود - مشکلاتی را ایجاد می‌کند. تعارض در قوانین، مشکلات گوناگونی را برای دادگاهها به وجود می‌آورد. سال گذشته عرض کردیم؛ عدم انطباق احکام دادگاههای بدوی با دادگاههای بعدی، بسیاری‌اش ناشی از همین مشکلات است؛ اینها بایستی اصلاح بشود. البته کار سنگین و عظیمی است.(۱۲۴)

**پانوشت‌ها:**

**۱۱۹ - بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۱۳۸۹/۶/۱۶.**
**۱۲۰ - بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹/۵/۲۷.**
**۱۲۱ - صحیفهٔ امام، ج ۱۸، ص ۴۳۵.**
**۱۲۲ - ابلاغ سیاستهای کلی اداری، به تاریخ ۱۳۸۹/۱/۳۱.**
**۱۲۳ - بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با مسئولان و رئیس قوّهٔ قضائیه، ۱۳۶۹/۰۴/۰۴.**
**۱۲۴ - بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار رئیس و مسئولان قوّهٔ قضائیه با حضور خانواده‌های شهدای هفتم تیر، ۱۳۸۹/۰۴/۰۷.**

# همکاری اطلاعاتی آمریکا با صدام در جنگ با ایران !

**همکاری‌های اطلاعاتی آمریکا با عراق:**

رژیم صدام، مدتها پیش از شروع جنگ علیه ایران، با آمریکا روابط اطلاعاتی برقرار کرده بود. ویلیام کیسی رئیس وقت سازمان سیا، در اردیبهشت ۱۳۵۹ ـ یعنی ۵ ماه قبل از وقوع رسمی جنگ ـ در حالی که به ظاهر رابطه دیپلماتیک و رسمی آمریکا و عراق قطع بوده است، به بغداد سفر کرده و یک رئیس ایستگاه اطلاعاتی تمام وقت را در آنجا مستقر می‌کند. پس از آن، رئیس پایگاه سیا در بغداد، دیدارهای منظمی با صدام برقرار می‌کند و به وی مشورت می‌دهد .[۱]

مدتی پیش از شروع جنگ، دستگاه‌های اطلاعاتی و تجسسی عراق در طول مرزهای ایران به فعالیت پرداخته و سعی کردند از طریق عوامل نفوذی، اطلاعاتی را جمع آوری نمایند. آنها در این زمینه حتی از سازمان سیا نیز درخواست کمک کردند .[۲]

یک هفته پس از شروع حمله عراق به ایران، ژنرال جونز رئیس ستاد نیروهای مسلح آمریکا، به عربستان رفت و توافقی برای احداث سریع ایستگاه رادار متحرک و تحویل فوری چهار فروند هواپیمای آواکس به همراه خدمه و تکنسین‌های آنها صورت پذیرفت. [۳]

پس از آن تام راس سخنگوی پنتاگون، در تاریخ ۸ مهر ۱۳۵۹ اعلام

***

*** رژیم صدام، مدتها پیش از شروع جنگ با آمریکا روابط اطلاعاتی برقرار کرده بود. ویلیام کیسی رئیس وقت سیا اردیبهشت ۱۳۵۹، ۵ ماه قبل از آغاز جنگ در حالی که به ظاهر رابطه دیپلماتیک و رسمی آمریکا و عراق قطع بود ، به بغداد سفر کرده و یک رئیس ایستگاه اطلاعاتی تمام وقت را در آنجا مستقر می‌کند. پس از آن، رئیس پایگاه سیا در بغداد، دیدارهای منظمی با صدام برقرار می‌کند و به وی مشورت می‌دهد.**

***

کرد که آمریکا چهار فروند هواپیمای آواکس برای حفاظت از چاه‌های نفت منطقه در مقابل حمله هوایی احتمالی ایران به عربستان سعودی ارسال خواهد کرد. وی گفت این هواپیماها تا زمانی که جنگ ایران و عراق ادامه داشته و موقعیت منطقه خطرناک باشد، در عربستان سعودی باقی خواهند ماند .[۴]

این چهار فروند هواپیمای آواکس آمریکا، با استفاده از قلمرو عربستان و تحت فرماندهی آمریکا، اوضاع منطقه را کنترل می‌کردند. در مرحله دوم، دولت ریگان در سال ۱۳۶۰ با فروش پنج فروند آواکس دیگر به عربستان موافقت کرد و مجموعاً ۹ فروند از این هواپیماها در عربستان مستقر شد که با ناوهای موشک انداز، ناوشکن‌های نیروی دریایی آمریکا در خلیج فارس و با هواپیماهای مستقر بر عرشه ناوهای هواپیمابر، ارتباط الکترونیک داشتند. در واقع، پروژه آواکس‌ها در عربستان، محور یک سیستم به هم پیوسته منطقه‌ای بود که ۵۰ میلیارد دلار هزینه داشت و اطلاعات مهمی را برای آمریکا جمع آوری می‌کرد. بعدها صدام صریحاً در اظهاراتی اعلام کرد: ما در عراق از اطلاعات آواکس‌ها بهره مند شده ایم. [۵]

این آواکس‌ها سرگرم ارائه یک پوشش ۲۴ ساعته از تحرکات نظامی ایران از سمت شمال خلیج فارس تا دزفول و نیز زیر نظر گرفتن ترمینال نفتی ایران در جزیره خارک و میدان‌های نفتی ایران در طول سواحل خلیج فارس بودند. همچنین بر طبق خبری که در روزنامه دیلی تلگراف درج شد، از آغاز جنگ، همواره ماهواره‌های جاسوسی آمریکا تصاویر منطقه نبرد را ساعت به ساعت به زمین ارسال کرده و ایستگاه‌های ردیابی، کلیه مکالمات نظامی ایران و عراق را ثبت و ضبط و به ارتش عراق ارائه می‌دادند. [۶]

به گفته ریچارد مورفی مسئول امور خاورمیانه در وزارت خارجه آمریکا در دوره ریگان، دولت ریگان با تلاش وزارت دفاع و وزارت خارجه و سازمان سیا، به حمایت از عراق برخاست. ویلیام کیسی رئیس سازمان سیا، معتقد بود که ایالات متحده باید اطلاعات بسیار حساس و ارزنده مربوط به فعالیت نیروهای ایرانی را که به کمک هواپیماهای آواکس مستقر در عربستان سعودی دریافت می‌کرد، در اختیار عراق بگذارد. [۷]

در ماه فوریه ۱۹۸۲ ( بهمن ۱۳۶۰ )، موقعیت صدام خطرناک به نظر می‌رسید. ویلیام کیسی رئیس سیا، پیشنهاد کرد که ایالات متحده با بغداد ارتباط مستقیم اطلاعاتی برقرار کند و برای آغاز کار، یک هیئت

ویلیام کیسی رئیس وقت سازمان سیا

عالی رتبه آمریکایی به عراق رفته و با صدام حسین ملاقاتی انجام دهد. پیشنهاد کیسی مورد موافقت سریع رونالد ریگان قرار گرفت. [۸]

به دنبال این پیشنهاد در بهمن ۱۳۶۰ ، یک هواپیمای شخصی از پاریس به سوی اردن رفته و در فرودگاه امان به زمین نشست. مهم‌ترین شخصیت در میان مسافران، ویلیام کیسی رئیس سازمان سیا بود که به صورت محرمانه مسافرت می‌کرد. کیسی بلافاصله با ملک حسین پادشاه اردن ملاقات کرد و سپس در همان جا با بارزان ابراهیم تکریتی ـ برادر ناتنی صدام که رئیس دفتر مرکزی اطلاعات عراق بود ـ ملاقات کرد. در این ملاقات کیسی گفت :

« ایالات متحده مایل است یک رابطه مستقیم اطلاعاتی با عراق برقرار کند تا مطمئن شود عراق قادر است از خودش در مقابل حملات ایران دفاع کند .» [۹]

**منابع در دفتر روزنامه موجود است**

**روایتی مستند از دخالت‌ها و جنایات آمریکا در ایران ۱۳۳۲-۱۳۹۲**

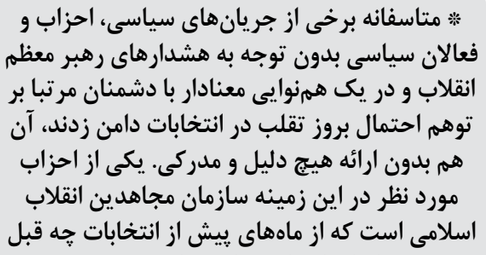


مستنداتی از سیر حوادث و اظهارات و اعترافات متهمان وقایع پس از انتخابات

# بی اعتماد سازی و مشروعیت زدایی هدف از طرح ادعای تقلب پیش از انتخابات

**متهمان تقلب در انتخابات را دروغ می‌دانند**

بهزاد نبوی، ابطحی، مازیار بهاری، مصطفی تاج‌زاده و صفایی فراهانی، در اعترافاتشان گفته‌اند که در انتخابات هیچ تخلفی صورت نگرفته است. موسوی خوئینی‌ها گفته بود: القای تقلب را برای جرزنی لازم دارید.

**بازوهای کودتای مخملی در ایران**

جاسوس مذکور در مورد بازوهای کودتای مخملی در ایران می‌گوید: «مدلی که در ایران طراحی شده مانند دیگر کشورها دارای سه بازوی فکری، اجرایی و رسانه‌ای است. هرکدام از این بازوها دارای زیرمجموعه‌های فعالی می‌باشند که به‌طور مثال بازوی فکری دارای زیرمجموعه‌های روشنفکری مذهبی، روشنفکری سکولار، سرمایه‌داری، سیاست خارجی، ادبیات و... می‌باشد که در هرکدام از این موارد موسساتی در خارج و داخل ایران هستند که به صورت فعال نقش دارند. بازوی اجرایی این پروژه یعنی کودتای مخملی دارای شش زیرمجموعه می‌باشد:

۱- زیرمجموعه زنان که از چند طیف تشکیل شده است. مهم‌ترین لیدرهای این طیف خانم شادی صدر و خانم شیرین عبادی هستند. این طیف‌ها بیشتر با NGOهای هلندی در تماس هستند که هزینه‌های این گروه‌ها و کمپین‌ها را پرداخت می‌کنند. طیف دیگری به مسئولیت پروین اردلان، دختر علی اردلان از رهبران جبهه ملی، فعالیت می‌کند. طیف نوشین همدانی خراسانی که تمایلات چپ دارند از جمله این طیف‌ها هستند.

۲- زیرمجموعه قومی - نژادی، بیشتر امور این کار در طیف شیرین عبادی صورت می‌گیرد. او با اینکه در زمینه حقوق بشر فعالیت می‌کند اما رگه‌های قومی - نژادی در آن وجود دارد. گروه‌های ملی - مذهبی نیز در این زمینه متمرکز هستند.

۳- زیرمجموعه حقوق بشر، مهم‌ترین چماقی که آمریکا برای رویارویی با مخالفان خود استفاده می‌کند، حقوق بشر است. در این زیرمجموعه،چند طیف وجود دارد که این بار نیز طیف شیرین عبادی از فعالان این عرصه هستند. هادی قائمی که از عناصر فعال و امنیتی در آمریکاست از حامیان خارجی این طیف می‌باشد. او مدتی است که رئیس بخش ایران در سازمان صهیونیست «دیده‌بان حقوق بشر» بوده و با بودجه ۱۵ میلیون یورویی هلند موسسه‌ای را راه‌اندازی کرده که تمرکزش فقط حقوق بشر در ایران است.

۴- زیرمجموعه کارگری؛ اگر به یاد داشته باشید در سال‌های گذشته سندیکای اتوبوس‌رانی اعتصابی را ایجاد کرده بود که رهبری آن را فردی به نام منصور اصانلو به عهده داشت. این جالب است که افرادی به دلایل مختلف از جمله عقب‌افتادگی دستمزد خود دست به اعتصاب می‌زنند اما حواسشان نیست که موسسات برانداز در آمریکا مانند NED، صندوق مالی و دموکراسی و... به صورت آشکار به موسسات دیگر چندین میلیون دلار پول می‌دهند تا به سندیکاهای کارگری در ایران کمک شود. تمامی اسناد این کمک‌ها در وب سایت سازمان NED موجود است. علت دسترسی آسان به این اسناد را می‌توان ظاهرسازی دانست. خیلی از افراد معتقدند که اینها چون مخفی‌کاری انجام نمی‌دهند پس به دنبال مطلب و مسئله خاصی نیستند.

۵- NGOها: این زیرمجموعه در دوره دولت اصلاحات از اهمیت خاصی برخوردار شد. غرب به این نتیجه رسیده بود که باید NGOها در ایران گسترش پیدا کنند و به دنبال این بود که ضعف آنان از نظر منابع انسانی، مالی و مدیریتی نیز تامین شود. به همین دلیل موسساتی تاسیس شد که بیشتر آن در هلند بود. وظیفه این موسسات این بود که به NGOهای ایران خدمات آموزش پرسنل، آموزش جمع‌آوری پول از خارج کشور و... را بدهند. دو NGO برجسته در کشور با نام‌های کنشگران به مدیریت سهراب رزاقی (مدیر NGOها در وزارت کشور دوره اصلاحات) و موسسه همیاران هستند که اولی دو میلیون یورو بودجه از موسسات هلندی دریافت کرده است و دومی بعد از زلزله بم در سال ۲۰۰۳ میلادی یک سری کلاس‌های آموزشی با عنوان جذب پول از خارج از کشور در تهران برگزار کرد که مدرسان افرادی همچون هادی قائمی بودند که سابقه صهیونیستی و امنیتی دارند.

۶- زیرمجموعه دانشجویی؛ اوج فعالیت زیرمجموعه دانشجویی در جریان ۱۸ تیر ۷۸ بود که البته مدتی بعد از آن نیز تضعیف شد. اما با گذشت زمان شاخه دانشجویی با مرکزیت دفتر تحکیم وحدت طیف علامه و شاخه‌های مرتبط با آن نقش جدی در بازوی اجرایی براندازی ایفا کرد. دادگاه آغاجری، نامه به کوفی عنان، تحریم انتخابات و... از جمله فعالیت‌های این زیرمجموعه بوده است. رفتن افرادی همچون محسن سازگارا، عطری، علی افشاری و رضا دلبری به آمریکا و شاغل شدن این افراد در مؤسساتی که کار آنها براندازی نظام جمهوری اسلامی است، می‌توان بهترین مستند برای همکاری این زیرمجموعه با پروژه کودتای مخملی در ایران دانست.

**بازوهای فکری پروژه کودتای مخملی در ایران**

این جاسوس سیا در این باره می‌گوید: «این بازو از اهمیت بالایی برخوردار است و شاید بتوان گفت قبل از هر مسئله‌ای کار فکری شروع می‌شود و سال‌ها طول می‌کشد که دیگر بازوها (اجرایی و رسانه‌ای) به کار بیفتد.

بازوی فکری در ایران از سال‌های خیلی دور یعنی از اواسط جنگ آغاز شد. در همین راستا یک تفکر روشنفکری جدید از میان نیروهای مسلمان بیرون می‌آید که رهبری آن به عهده عبدالکریم سروش و مجله کیهان فرهنگی است (در آن زمان مدیریت مجموعه کیهان با سیدمحمد خاتمی بود.)

مقالاتی که سروش در این مجله به نگارش درمی‌آورد، موضوعات خاصی را در پی داشت به طور نمونه سروش در اولین مقالات خود این موضوع را انتخاب می‌کند که چیز به عنوان غرب وجود ندارد که بخواهیم درمورد غرب‌زدگی صحبت کنیم و این گونه مبارزه با غرب‌زدگی را که یکی از گفتمان‌های مهم انقلاب بود زیر سؤال می‌برد.

آنها زیرپایه‌های فرهنگی انقلاب را آرام آرام هدف گرفته و از میان می‌بردند. از همان زمان یک تیپ نوچه‌پروری و استبداد فکری در بحث تفکرشان مطرح بود که آن را پنهان نگه می‌داشتند. اگر ما فرض کنیم که غرب و استبداد وجود ندارد دیگر شعارهای انقلاب از قبیل استقلال و آزادی معنا پیدا نمی‌کند. این روند ادامه یافته و یک به یک پایه‌های تفکر امام را می‌زند، پایه‌هایی مثل وحدت، دیانت و سیاست، ولایت فقیه، و بدین سان زمینه برای غربی شدن و آمریکایی‌شدن را فراهم نمودند.»

وی در ادامه می‌گوید: «افراد دیگری مانند سریع‌القلم، ناصر هادیان و هادی سمتی با تفکرات خاصی شروع به تئوری‌سازی در زمینه تأمین منافع آمریکا در ایران کردند. آنها موضوعاتی مانند انرژی اتمی و موشکی، حمایت از لبنان و فلسطین را آرام آرام مورد هجوم قرار می‌دادند. این تئوری‌ها در مراکز تحقیقاتی مختلفی در دولت اصلاحات پرداخته شد و در مطبوعات به صورت گسترده در جامعه پخش می‌شد.

**اهم شباهت‌های کودتای مخملی شکست خورده در ایران به کودتای مخملی چند کشور**

**۱- طرح تقلب با هدف بی‌اعتمادسازی مردم و مشروعیت‌زدائی از نظام سیاسی مستقر**

در همین رابطه رهبر بصیر انقلاب اسلامی در خطبه‌های تاریخی نماز جمعه ۲۹ خرداد فرمودند: «من اول فروردین در مشهد گفتم، هی دارند دائما به گوش‌ها می‌خوانند، تکرار می‌کنند که بناست در انتخابات تقلب شود، می‌خواستند زمینه را آماده کنند، من آن وقت به دوستان خوبمان در داخل کشور تذکر دادم و گفتم: این حرفی را که دشمن می‌خواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد، نگویید! نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است؛ این اعتماد آسان به دست نیامده، سی سال است که نظام جمهوری اسلامی با مسئولانش، با عملکردش با تلاش‌های فراوانش توانسته این اعتماد را در دل مردم عمیق کند. دشمن می‌خواهد این اعتماد را بگیرد، مردم را دچار تزلزل کند.»

متاسفانه برخی از جریان‌های سیاسی، احزاب و فعالان سیاسی بدون توجه به هشدارهای معظم‌له و در یک هم‌نوایی معنادار با دشمنان مرتبا بر توهم احتمال بروز تقلب در انتخابات دامن زدند، آن هم بدون ارائه هیچ دلیل و مدرکی. یکی از احزاب مورد نظر در این زمینه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است که از ماه‌های پیش از انتخابات چه قبل و چه بعد از فرمایشات مقام معظم رهبری و دعوت معظم‌له به پرهیز از هم‌سویی با دشمن، در بیانیه‌های رسمی و اظهار نظرهای اعضای آن کرارا بحث تقلب در انتخابات ترویج گردیده است.

سازمان مجاهدین در بیانیه ۸۸/۱/۲۱ که به‌عنوان اعلام حمایت از نامزدی میرحسین موسوی ثبت گردیده و تنها ۲۰ روز بعد از هشدار رهبر معظم انقلاب اسلامی منتشر شده است، این گونه حرف دشمنان را تکرار می‌کند: «سلامت انتخابات به شدت به مخاطره افتاده است به‌طوری که دیگر تقریبا اعتمادی به آمارهای انتخابات از جمعیت واجد حق رای گرفته تاآرای شرکت کنندگان و تاآرای کاندیداها وجود ندارد».

البته این سازمان ماه‌ها قبل از آن نیز یعنی در تیر ماه سال ۸۷ طی قطع‌نامه کنگره دوازدهم موضوع تقلب را به نوعی دیگر مطرح می‌نماید. بعد از اعلام نتایج و پیام رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی مبنی بر تأیید انتخابات نیز سازمان مجاهدین با صدور چند بیانیه، بدون ارائه سند و مدرکی صحت انتخابات را زیر سوال برده است. به‌عنوان مثال در اولین بیانیه بعد از اعلام نتایج تصریح شده است: «ما در وجود تقلب و تخلف تردیدی نداشتیم».

**اسناد جعلی در منزل بهزادنبوی و ستادهای انتخاباتی**

این جریان با هدف القای جعل در انتخابات و تشویش اذهان عمومی، نامه وزارت کشور را جعل نموده و با انتساب افترا به این وزارت‌خانه و توزیع وسیع آن قصد فریب افکار عمومی را داشته است. هم‌چنین در بازرسی از منزل آقای بهزاد نبوی عضو موثر و محوری سازمان مجاهدین اسنادی دال بر جعل سند با هدف تشویش اذهان عمومی به دست آمده که به پیوست تقدیم دادگاه می‌شود.

شایان توجه اینکه نمونه‌هایی از این اوراق و نامه‌های جعلی در ستادهای برخی کاندیداهای ناکام و معترض نیز کشف گردیده است.

حزب مشارکت، حزب کارگزاران، برخی از اعضای مجمع روحانیون مبارز نیز رسما و هم‌سو با رسانه‌ها و گروه‌های معاند و مخالف نظام صحت انتخابات را چه قبل و چه بعد از انتخاباتی مورد تردید قرار دادند.

این مسئله از آن جهت مهم و برای دادگاه قابل توجه است که اولا طبق آنچه گفته شد مسئله تقلب همزاد با شروع فعالیت‌های انتخاباتی بوده که حاکی از برنامه‌ریزی قبلی برای هدفی مشخص می‌باشد. ثانیا؛ این مسئله دلیل اصلی بروز تشنجات و اغتشاشاتی است که خسارت مادی و معنوی فراوانی از جمله کشته شدن هموطنان‌مان را دربر داشت و این در حالی است که متهمین بازداشت شده در اعترافات خود اذعان می دارند که با علم به عدم وجود تقلب و با هدف ایجاد تردید، موضوع تقلب را مطرح نموده‌اند.

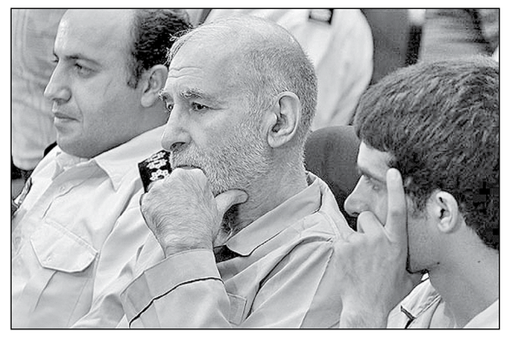

***محمدعلی ابطحی مسئول دفتر رئیس‌جمهور سابق می‌گوید: «بحث تقلب در انتخابات در ایران از سال ۷۶ اولین بار مطرح شد که اصلاح‌طلبان از آن زمان به بعد از این صحبت خیلی استفاده کردند و در این انتخابات اخیر هم این بحث را بهزاد نبوی مطرح کرد و در ستاد خاتمی به عنوان مسئول کمیته صیانت از آرا مشغول به کار شد.»**

*** متاسفانه برخی از جریان‌های سیاسی، احزاب و فعالان سیاسی بدون توجه به هشدارهای رهبر معظم انقلاب و در یک هم‌نوایی معنادار با دشمنان مرتبا بر توهم احتمال بروز تقلب در انتخابات دامن زدند، آن هم بدون ارائه هیچ دلیل و مدرکی. یکی از احزاب مورد نظر در این زمینه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است که از ماه‌های پیش از انتخابات چه قبل و چه بعد از فرمایشات مقام معظم رهبری و دعوت ایشان به پرهیز از هم‌سویی با دشمن، در بیانیه‌های رسمی و اظهار نظرهای اعضای آن کرارا بحث تقلب در انتخابات ترویج گردیده است.**

آقای ابطحی تصریح می‌کند: «من اعتقادم این است که محتشمی‌پور ضربه بزرگی به مهندس موسوی وارد کرد، او در جلسه ۲۳ خرداد مجمع اعلام نمود: من به مهندس موسوی گفته‌ام که نگران نباش، ما آن‌قدر سند در مورد تقلب داریم که می‌توانیم مسیر انتخابات را تغییر دهیم. آقای مهندس موسوی به دلیل بی‌تجربگی و دور بودن از صحنه سیاسی زود تحت تاثیر قرار می‌گیرد.» ابطحی در ادامه گفته فوق افزود: «دو روز بعد از انتخابات از موسوی لاری در زمینه تقلب پرسیدم که در جوابم گفت: محتشمی‌پور چرند می‌گوید زیرا تغییر در آرای موسوی بیشتر از ۷۰۰ الی ۸۰۰ هزار نخواهد بود.»

**تاج‌زاده از طریق استان‌ها می‌دانست در انتخابات باخته‌اند**

مصطفی تاج‌زاده معاون سیاسی وزیر کشور و رئیس ستاد انتخابات کشور در دولت آقای خاتمی یکی دیگر از بازداشت‌شدگان است که امکان تقلب را منتفی می‌داند و در این باره می‌گوید: «تقلب در انتخابات وجهی نداشت اما به محض اینکه انتخابات تمام شد و من از بچه‌های استان‌ها سوال کردم احساس کردم که انتخابات را باخته‌ایم ولی فاصله را ۳ به ۱ نمی‌دانستیم.»

تاج‌زاده ادامه داد: «این را هم برای اولین بار بگویم که از ساعت ۱۲ که آرا اعلام شد هیچ کس از من نشنید که تقلب شده است. لذا چیزهایی که می‌گویند به من برنمی‌گردد و من دخیل نبوده‌ام، البته حزبم بیانیه‌ای داده و بنده را هم مثل آنها مجازات کنید!» مصطفی تاج‌زاده اضافه می‌کند: «به نظر من این انتخابات به لحاظ کمی جزو کم‌نظیرترین و به لحاظ کیفی جزو بی‌نظیرترین انتخابات‌ها بود. معتقدم این سرمایه ۴۰ میلیونی سرجایش محفوظ است.»

همچنین در اظهارات یکی از متهمین آمده است: «... در جلسه روز شنبه مورخ ۸۸/۳/۲۳ با آقای تاجزاده و تعدادی از دوستان دیگر در ستاد ائتلاف اصلاح‌طلبان در محل ستاد آقای تاج‌زاده با حالتی بهت‌زده و خاص حضور داشتند. از ایشان دو سوال مطرح کردم، سوال اول: اوضاع رای آقای موسوی چطور است؟ ایشان گفتند: «رای آقای موسوی خوب نیست و آقای احمدی‌نژاد قطعا در دور اول پیروز انتخابات خواهد بود. سوال دوم: به نظر شما تقلب شده؟ که ایشان پاسخ دادند: من با همه استان‌ها جز استان اردبیل تماس گرفته‌ام، نتایج اعلام شده با نتایجی که ما داشتیم هیچ تفاوتی نمی‌کند و تقلبی صورت نگرفته است.»

**بهزاد نبوی: سندی برای تخلف نداریم ولی به موسوی خیانت نمی‌کنم**

بهزاد نبوی عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین، مشاور رئیس‌جمهور سابق و نایب رئیس مجلس ششم نیز که اکنون در بازداشت به سر می‌برد، در مورد طرح تقلب اعتراف می‌کند: «ما هیچ سندی دال بر وجود تقلب نداشته‌ایم و باید به رای شورای نگهبان التزام داشته باشیم.» وقتی از آقای نبوی خواسته شد که لااقل برای جبران بخشی از تخلفات خود و به خاطر وضعیتی که با طرح واهی تقلب به وجود آورده‌اید و معترف هم هستید که سندی در تایید آن ندارید و به خاطر این ادعاهای دروغ و خسارت‌های جانی و مالی فراوانی بر مردم عزیزمان تحمیل نموده‌اید، همین مسئله را رسما اعلام کنید؛ ایشان در پاسخ می‌گوید: «من به آقای موسوی خیانت نمی‌کنم.» از او سوال شد: آیا به خاطر عدم خیانت به موسوی، حاضر هستید که به مردم خود و تاریخ کشورت خیانت کنی؟ نامبرده هیچ پاسخی نمی‌دهد.

**رمضان‌زاده: تقلب در ایران امکان ندارد**

رمضان‌زاده سخنگوی دولت آقای خاتمی نیز در این باره می‌گوید: «من همیشه گفته‌ام و دوستان هم‌حزبی بنده هم می‌دانند که تقلب در ایران امکان ندارد.»

**القای خط تقلب قبل از انتخابات**

مازیار بهاری خبرنگار هفته‌نامه نیوزویک در این رابطه ا